



سوده پاکاری

## سرزمین فرصت‌ها

زن: والای نمی‌دونی چقدر هیجان دارم واسه فردا، اصلا امشب تا صبح خواب نمی‌رم!

مرد: چه خبره؟ گوشت قراره ارزون شه یا یارانه‌مون رو زودتر میدن؟

زن: ذهنتم فقیر شده! امههه

مرد: خب بیا حساب بانکی باباتو وصل کن به جیبم که هم ذهنم، هم جیبم از فقر دریادا!

زن: فقط حواست باشه ولنتاین رو فراموش نکنی!

مرد: بله چه تایمی؟!

زن: لااقل تلفظشو یاد بگیر فردا تو فیلم آبرومو نبری!!

مرد: «این دیگه چه کوفتیته؟! به روز منو می‌فرستی تو پارک‌ها، کاج از ریشه دربارم، کریسمس بگیریم! یه روز ما و بچه‌ها رو عین هیولا رنگ‌آمیزی می‌کنی میگی هالووین! این بله تایم دیگه از کجا اومده؟!»

زن: «مردم شوهر دارند من هم شوهر دارم! شوهر آنی جون برا کریسمس یک کاج ریشه‌بندی ۲۰ میلیونی خریده، آورده خونه‌اش. حالا تو چی؟ فقط ۳ کیلومتر دوی سرعت رفتی که مامورهای شهرداری نگیرن، کاج رو از چنگت دربیاری! از همون روز عروسی که لباس عروس ننجونتو دادی من بوشم باید می‌فهمیدم همش می‌خواهی گدایازی دربیاری!»

مرد: «بیوووق، ای مرده شور آنی جون و شوهرش و اینستاگرام رو بربن که آسایش رو از ما گرفت! همین شوهر آنی جون نبود سر مراسم ختم مادر خدایا! مرز می‌گفت پولتو خرما و حلوا نخر بده به فقرا! الان اون کاج ۲۰ میلیونی رو میخاد بکاره سر قبر باباش که خرج فقرا نکرده؟!»

زن: سورپرایز یادت نره! من از تو خوس بزرگ نمی‌خوام! خودت اندازه خرسی! به جاش برام یه سرویس طلا بخر که استوریش کنم!

مرد: همین چندروز پیش برا روز زن برات طلا خریدم!

زن: خودت هم داری میگی، اون روز زن بوده، الان ولنتاینه!

مرد: کی تو اون پیچ کوفتیت نیس برو یه سرویس آزش قرض بگیر استوری کن چشم همه رو دربار!

زن: خدایا! این چه تقدیر شومیه من دارم؟! مردم شوهر دارن من سوهان روح!

مرد: آخه زن! من سه ماهه شن کلیه‌ام شده قلوبه سنگا داره روده و معده‌مو هم سوخا می‌کنه! پول ویزیت دکتر ندارم! این بچه یک‌ساله، میخک و سماق درمون ندنون دردشه! بده‌ام به کل طایفه از بدهی تامین اجتماعی بالاتر زده! بله تایم چه مرگی بود دیگه؟! زن حسابی پدرد لندن بدنی اومده یا مادرت بچه پارسیه که تو همه مراسم‌های خارجی رو باید به‌جا بباری؟!

زن: نخیر! مادر پدرم خارجی نیستن فقط می‌ترسم شوهرم آخر هفته بخواد منو بره فرانکفورت، اونوقت مراسمای خارجی رو بلد نشامیم آبرومون بره! یه دقیقه دقت کن، بین سورپرایز مهمه باید تو فیلم جا بخورما!

مرد: زن خجالت بکش مگه میخای اسکار بگیري؟! آسایش برا ما نذاشتی، آدم تو خونه خودشم امنیت نداره! اینقدی رو من و بچه‌هام دوربینه رو صندوق بانک مرکزی نیست!

زن: دیدی چی شد؟! حواسمو پرت کردی سپندارم‌زگان رو هایلایت نکردم!

مرد: اینقد از جمادی‌الغنی به فوریه و از اونجا به دی‌ماه میری تسمه‌تایم پاره نمی‌کنی؟! میخای برات به دوچرخه بخرم، شرق و غرب عالم رو دور میزنی سرگیجه‌گیری؟!

زن: نه پولاتو جمع کن بذار جیبت خرج دوچرخه نکن!

مرد: یه فکر عالی! پیجتو ببند بگو اینستا مسدودش کرده از شر استوری و نمایش هم راحت می‌شیم!

زن: وضعیت واتساممو چکار کنیم؟!

مرد: آگهی ترحیم منو بذار وضعیتت راحت شی.

# شاید پی ولنتاین، فرهاد رفته باشد



قدمت خرس قرمز کجاست؟

خرس نماد عشق در اروپا؟

راز خسرو لورقت

عذرا: خداشاهده اگر واقع خریدنه باشه!

منیژه: ما عشق‌مون رو با خرس و شکلات خراب نمی‌کنیم

فرح: خاک بر سرست ممدرضا که از این جقله‌ها جاموندی به شکلات برای من نخریدی

روزنامه شرق: خرس قرمز تضمین است

سازمان ملل از کمبود وسایل قرمز رنگ اظهار نگرانی کرد

اووهه کوه کندی! فقط یه خرس آوردی؟!

ایران خودرو: ماشین قرمز رنگ: تحویل فوری

فرهاد: حاجی کوهام! فقط یه خرس؟

فرهاد: حاجی کوهام! به یه خرس قرمز فروختت

ای که در کوی خرابات مقامی داری چاره بر آب و هوای بد خوزستان کن

حافظ / سمنگد مسافلی

در حلقه گل و مل خوش خواند دوش بلبل چه جدا گرفته کادو خرسی برای خرسی

حافظ / جواد فریه محمدی

پاتوفش شاعرا

فریبا رئیسی

## عرض حاجت به امام

حضرت صاحب عرضی داریم آقا مجنون یوسقیم مٹ زلیخا با شر و شوری اومدیم تا اینجا از می و باده ناخوشیم و مستیم بازم اگه کاری باشه ما هستیم ماه بودیم اون وقت حالا بی‌ریختیم چه قیمه‌هایی توی ماستا ریختیم آردا رو بیختیم، الک و آویختیم یه عمر بار دادیم و بازنشستیم بازم اگه کاری باشه ما هستیم شما ستون عالمید و محکم مام که شل و وارفته‌ایم و شلغم زورمون در رفته کلا از دم گرچه شلمیم و بند پا و دستیم بازم اگه کاری باشه ما هستیم قدیم‌ندیم می‌رفقتیم این سر اون سر یکی دو بار رفته بودیم تا مقصر مارو بلد راه بیرید این سفر بی‌پول بودیم بار سفر نیستیم بازم اگه کاری باشه ما هستیم تو راه خطر فراوونه، دُر زیاد پس یکی همراه شما پاس بیاد که وقت حمله بکنه جیغ و داد هول و ولا بشه فلنگ و بستیم بازم اگه کاری باشه ما هستیم سفر یه جا می‌خواد یه پول هنگفت حساب کنید رو ما که دربیاد مفت چرک کف‌دست و باید شست و زفت البته چندین ساله ورشکستیم بازم اگه کاری باشه ما هستیم چندتایی کار دیگه موندن زمین محافظت، مشاوره با امین خط‌شکنی که باس بره سمت مین یه کم چاق و کمی بی‌چفت و بستیم بازم اگه کاری باشه ما هستیم تورو به جدوتون به سیزده معصوم زود بکنید قرعه فال و معلوم سیصد و سیزده میشه روی ما زوم؟ دهه نودی که نه، پنجا، شصتیم بازم اگه کاری باشه ما هستیم سحر خروس‌خون خوبه واسه اعزام فقط یه مشکلی داریم این ایام گلاویزیم با رختخواب صبح تا شام تو خواب خرسی کمی چیره دستیم بازم اگه کاری باشه ما هستیم خُب آقا حالا که قبوله بیام جمعه میام صبح در بیت امام بریم ایشالا سمت میدون قیام اساسی انقلاب کنیم والسلام دلم میخواد کنش بیاره این کلام میگم می‌گیره قصه‌مون سرانجام؟ حالا که از اجل یه جوری جستمیم بازم اگه کاری باشه ما هستیم ما الکتیم و لال و لوچ و لنگیم فکر می‌کنیم خیلی بچه‌زنگیم پارکایم و مرد روز جنگیم یه عمر یه به انتظار نشستیم بازم اگه کاری باشه ما هستیم

فریبا رئیسی

## دیشب صدای تیشه از بیستون نیامد

شاید خریده فرهاد، خرسی برای شیرین

حرن لاهیجی / علی بگانه

## صد باد صبا اینجا با سلسله می‌رقصند

شد نیمه شعبان و من گشته شیرینی

حافظ / علی بگانه

## الکی خنده نکن!

راهکارهای مذاکره بهتر از زبان مدرسین زبان مذاکره داخلی و خارجی (سهامی خاص) با توجه به هاگ‌های متعدد آمریکا (در زبان مذاکره، هاگ یعنی آغوش باز) جهت مذاکره با ایران و با توجه به رسالت این موسسه در حوزه مذاکرات داخلی و خارجی شرح برخی از راهکارها جهت برقراری تعهدات جدید را بیان می‌نماییم.

۱- بدهید برو: با توجه به اینکه دیگر از هسته‌های چیزی جز هسته‌اش نمانده، همان هسته را نصف کنید تا حداقل همان نصف دیگر را برای دفعات بعدی داشته باشیم. چون ترامپ انسان **keeps leaving** (به معنی هی خروج می‌کند در زبان مذاکرات) است باید حداقل نصف داشته باشیم که آن را دفعه بعدی مثلا یک چهارم‌ش را بدهیم برو.

۲- الکی خنده نکنید. درست است که در زبان مذاکرات باید خنده اولویت باشد اما خنده بی‌دلیل هم خوب نیست. بهتر است دلیلی بترائید. مثلا می‌توانید به طرف مقابل بگویید: «ما رو تحریم کن دور هم بختندیم!» بعد وقتی شما را هم تحریم کرد و برای‌تان پیامک آمد ترامپ خنده‌اش می‌گیرد و شما هم از خنده او حتما خنده‌تان می‌گیرد. چون ترامپ خیلی **Cheerful** (به معنی خوش‌خنده در زبان مذاکرات) است در این صورت همه می‌خندند؛ هم به شما هم به بقیه! در کل به هم نخندید، با هم به یکی بختندید.

۳- کاری نکنید طرف مذاکره‌کننده ناراحت شود؛ به هر حال شما در آن جا مهمانید حرمت صاحبخانه جای خودش، حرمت کدخدایی هم کنار بگذاریم. بالاخره ترامپ هاگ باز کرده است زشت است هاگ‌هایش را بی‌جواب بگذارید.

۴- برای ترامپ کلاس بگذارید و احترام قائل شوید؛ ترامپ اهل نوشیدنی و این قرتی‌بازی‌ها نیست، او عاشق پیتزاست. او خودش بعضی روزها در پیتزافروشی محله خودش پیتزا می‌فروشد. چون خودش به آنجا علاقه دارد، می‌توانید از این نقطه ضعف او استفاده کنید و در آن پیتزافروشی حین پیتزا خوردن مذاکره کنید.

بقیه راهکارها باید در تیم مذاکرات و در خصوصی بیان شود. ان‌شاءالله در پیتزافروشی مورد علاقه ترامپ وقتی ترامپ به دستشویی رفت در میان گذاشته خواهد شد.

علی بزوبی

## سفر به خارجه جهت واردات بیل

تاریخچه ضرب‌المثل نرود میخ آهنین در سنگ

روزی روزگاری، کاروانی کم خرد، به قصد تجاریت پر سود عازم خارجه شدند. کاروانیان بار و بنه سفر بستند و پا چند ده اسب و شتر راهی بیابان گشتند. به عوارضی شهر که رسیدند حکیمی سالخورده بر آنان وارد گشت و گفت: «بایستید که می‌خواهم شما را پندی دهم.»

کاروانیان کم‌خرد یک صدا گفتند: «ای حکیم اگر همین اکنون راه بیفتیم طبق برنامه بلد، چهل روز دیگر می‌رسیم. پندت چقدر طول می‌کشد؟»

حکیم گفت: «دفعه پیش پندم نگرفتید و ساس‌پند گشته و بازگشتید این بار اگر پندم نگیرید معلوم نیست با چه حال باز خواهید گشت.»

کاروانیان به حکیم پوزخندی زدند و راه خود کج کردند و رفتند.

چند ماه گذشت. کاروانیان لغت و عور و با پای پیاده به دیار خویش بازگشتند. به دنبال حکیم گشتند و دیدند که حکیم از حال رفته است. می‌خواستند بر سر و روی خود بزنند و یقه‌ها چاک بدهند که یادشان افتاد لغت و عور شده و یقه‌ای در کار نیست. ناگهان حکیم که دقایقی پیش از حال رفته بود، از مطبخ بر آنان وارد گشت و ندا سر داد که: «شما را چه شده است؟» کاروانیان که عادت داشتند با هم حرف بزنند، با هم یکصدا گفتند: «عیا و قبا و اسب و شتر را از ما ستاندند و چند عدد دسته‌بیل به ما دادند. حال چه کنیم؟»

حکیم آهی کشید و گفت: «دیگر چاره‌ای نیست، دسته‌بیل‌ها را بردارید و در سربیل‌ها فرو کنید و مشغول زراعت شوید شاید زندگی خویش را کنید آباد!»

کاروانیان قفری کردند و گفتند: «احسن بر تو ای حکیم، پس ما به خارجه باز می‌گردیم تا سر بیل خارجی بیاوریم و زراعت کنیم!»

در حال برگشت بودند که یکی از میان کاروان فریاد برآورد که: «راستی حکیم پندت چه بود؟» حکیم که این بار واقعا داشت از حال می‌رفت با حال نزار و صدایی بی‌رمل گفت: «با سیه‌دل چه سود گفتن وعظ؟ نرود میخ آهنین، در سنگ»

دلخنده بوسنی

# کوی شیطون

## برگی از خاطرات یک غرب‌پرست

صبح زود حدود ساعت ۱۱ از خواب بیدار شدم. طبق عادت مشغول نوشیدن قهوه ایتالیایی و خوردن نان و پنیر بودم که در یکی از صفحات مجازی با این خبر مواجه شدم: «دانشمندان موفق به تولید داروی بیماری ام‌اس شدند.» با خود فکر کردم چقدر جالب است! از کشورهای پیشرفته اروپایی هر چیزی برمی‌آید. مثلا آمریکا؛ درست است که اخیراً با مشکلات گسترده‌ای مثل سقوط هواپیماها و آتش‌سوزی مواجه شده، اما هنوز هم حرف اول را می‌زند.

سپس کیشن خبر را خواندم: «این دارو با تلاش دانشمندان داخلی تولید شده است و اثرات این بیماری را بسیار کاهش می‌دهد.»

با تعجب به خودم گفتم: داخلی؟ داخل کدام کشور؟ داخل می‌تواند هر جایی باشد، حتی داخل رویا و توهم! خبر را دوباره خواندم، اما نامی از کشور خاصی برده نشده بود.

نگاهی به بخش کامنت‌ها انداختم. مردم در کامنت‌ها یکدیگر را تشویق کرده و نوشته بودند: «آفرین به ایران و ایرانی!»

از شرکت داروسازی عبیدی تقدیر می‌کردند و ماشاءالله و بارک‌الله بود که به ناشی می‌بستند. برخی نیز موضوع را بسیار جدی گرفته بودند. با خودم گفتم: آیا کسی نیست که به این افراد بگوید که ایران، به عنوان یک کشور داغان، چگونه می‌تواند علم را به چالش بکشد؟ لاید می‌خواهد

داروی ۸۰ هزار نفر مبتلا به این بیماری در ایران را هم تولید کند!

به هر حال، اگر برای من ثابت شود که این خبر واقعی است و ایران واقعا موفق به تولید این دارو شده، قول می‌دهم به جای قهوه، چای بنوشم.

آه، اوه، این چای چقدر داغ است! دستم سوخت... آه... این کشور هم که جز بدبختی چیزی برای ما ندارد، از یک طرف داروی ام‌اس تولید می‌کند و از طرف دیگر دست‌مان را با چای داغش می‌سوزاند.

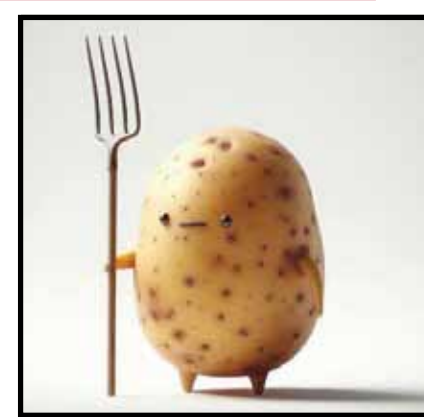
## شعبه دیگری ندارد

چو تمهینه از خواب بیدار شد ندید از تمهنت نشان نزد خود گمان کرد رفته درین صبح زود عروسک بگیرد، ولنتاین بود برایش مهیا نمود آن پری پتیز و مربا، کره، بربری چو لبریز شد کاسه صبر وی پیامک فرستاد و پیغام‌هی که عجبم عجیجم کجایی تو پس اوجولات من کو؟ بیا ای نفس که این جای بخ کرد و نان شد بیات شکر که گران است، حل شد بیات زن مهربان بر از عشق و شور به امید پاسخ نشسته صبور که ناگه صدای پیامک رسید به سرعت به دنبال گوشی دوید گمان کرد داده پیامی حبیب چنین بود متن پیامی عجیب که خنجر فروشی دیو و پری ندارد جز این شعبه دیگری خروش از خم چرخ چاچی بخواست بگوید به دیوار آن راه، رواست ز مامان رستم یکی زنگ زد ز هجران شوهر به رخ جنگ زد بدو گفت رودابه ای نان‌زین مکوب این چنین پای خود بر زمین که رستم همین جاست خوابیده ناز زده بر بدن کله‌پاچه دو دست چه کشکی چه دوغی تمهنت که جست بگفتا بگویند تمهینه گفت برام بخر خرس رنگی دو جفت که فریاد رستم از آن سو بخواست که رسم سمنگان نه آیین ماست رود مثل قارون به ارضی فرو به رسم ولنتاین غربی تقو

## گمشده

جناب مستطاب سبب‌زمینی عزیز مدتی‌ست گران شده و سیس عقاب گرفته، از سفره فقرا رخت سفر بریسته و بالانشین شده است. از مسؤولین بزرگوار خواشتمندیم چنانچه این عزیز خوشمزه را گیر آورده و سرخ نموده و در کنار قیمه یا با سس میل می‌نمایند، از ما فقرا نیز یادی کنند. توصیه می‌شود کمی نمک هم به آن دلبر خاکی بزنید که بسیار خوشمزه‌تر خواهد شد.

از هم‌ردیفان خود نیز خواشتمندیم دندان بر سر جگر گذاشته، صبر کنند تا موقع برداشت دوباره برسد. شاید این عزیز سفر کرده دوباره بر سفره‌های‌مان نزول اجلال نماید.



## دلیلار سبب‌زمینی ببر

طرح تعویض دلار با سبب‌زمینی

فوری تا سبز شدن چراغ راهنمایی یک خرس گنده خریداریم، ترجیحا قرمز با خال خال مشکلی پر کلاغی

## دیگر نگران نباشید.

امشب و هر شب با سبب‌زمینی پشنندی ته‌دیگ ما کارونی بخورید. پشنندی کاران مقیم مرکز و حومه

به یک گاوصندوق زیبا، جادار و مطمئن جهت نگهداری تکنای سبب‌زمینی نیازمندیم.

# نیازمندی‌ها

دیگر نگران نباشید. امشب و هر شب با سبب‌زمینی پشنندی ته‌دیگ ما کارونی بخورید. پشنندی کاران مقیم مرکز و حومه

دلار بسیار سبب‌زمینی ببر طرح تعویض دلار با سبب‌زمینی

فوری تا سبز شدن چراغ راهنمایی یک خرس گنده خریداریم. ترجیحا قرمز با خال خال مشکلی پر کلاغی

به یک گاوصندوق زیبا، جادار و مطمئن جهت نگهداری تکنای سبب‌زمینی نیازمندیم.

**ضمیمه طنز راه راه کاری از**

دبیر سرویس نثر: طوبی عظیمی‌نژاد  
دبیر سرویس شعر: فریبا رئیسی  
دبیر سرویس کارتون: تمین سلیمانی‌نژاد  
صفحکار: فاطمه احمدی

**راه‌های ارتباطی**  
مجموعه رسانه‌های باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی  
<https://zil.link/bashgahanz>